

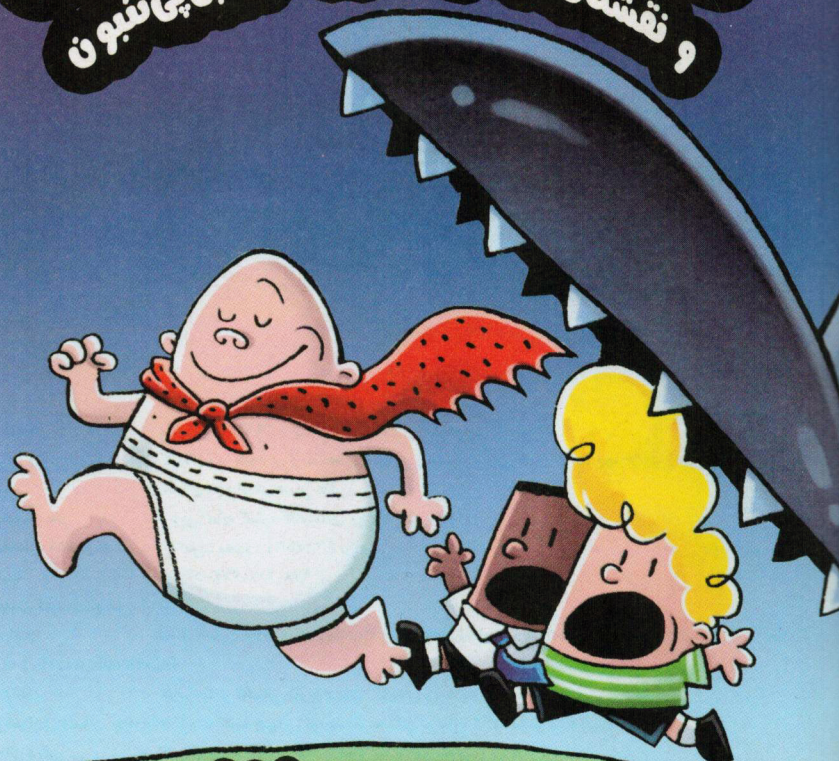


کتاب
چهارم

تمام رنگی

کاپیتان زیر شلواری

و نقشه‌های شیطانی پر و فسورچی پی‌تی‌تیون



چهارمین رمان حماسی

~~نویسنده: دیو پیلاکی~~

مشنگ مخ‌موشی

تصاویر رنگی

مترجم: سهیل محمدیان

از جوزف گاربیلاوی





۹۹	۱۸. خدایا، صدامونو می‌شنوی؟ گرکی و کوفته پنیری دارن
	باهات حرف می‌زنن!
۱۰۳	۱۹. پرواز با موشک کاغذی
۱۱۱	۲۰. کاپیتان زیرشلواری خیلی خیلی خیلی خیلی خیلی خیلی خیلی خیلی خیلی خیلی بزرگ!
۱۱۷	۲۱. تصاویر خیلی خشن (ورق زدن جادویی)
۱۳۷	۲۲. فصل بیست و دوم
۱۴۱	۲۳. داستان را خلاصه می‌کنیم!
۱۴۲	۲۴. فصل قبل از فصل آخر
۱۴۷	۲۵. فصل بعد از فصل قبل از فصل آخر
۱۵۲	نکته‌های جالب!
۱۵۴	جدول تغییر اسم ۲۰۰۰ پرفسور پی‌پی‌تنبون
۱۶۰	درباره‌ی نویسنده

۷	پیشگفتار: حقیقتی فوق سری درباره‌ی کاپیتان زیرشلواری
۱۱	۱. جورج و هارولد
۱۵	۲. زنده‌باد کشور سوئیس نو
۲۳	۳. اردو
۲۹	۴. جامانده‌ها
۳۵	۵. شروع خوش‌گذرانی
۴۳	۶. خداحافظ آقای فایده!
۴۷	۷. از این‌جا!
۵۱	۸. معصومیت و مهربانی بچه‌ها
۵۷	۹. دونده‌ی موشی ۲۰۰۰
۶۱	۱۰. فقط یه اتفاق دیگه
۶۳	۱۱. کاپیتان زیرشلواری و پرفسور پی‌پی‌تنبون
۷۱	۱۲. پرفسور پی‌پی دیوانه می‌شود
۷۳	۱۳. عزیزم، من مدرسه رو کوچیک کردم
۷۹	۱۴. نقشه‌ی شیطانی
۸۳	۱۵. جدول تغییر اسم
۹۱	۱۶. گرکی و کوفته پنیری
۹۵	۱۷. کاپیتان زیرشلواری و عملیات نجات

خیلی
جدید

حقیقتی فوق سری

خبر

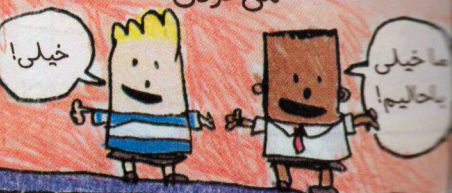
درباره‌ی کاپیتان زیر شلواری

آن‌ها به مدیر
پیر و بدجنس به
اسم آقای کراپ
داشتن.



اجازه
بی اجازه
ساکت!

روزی روزگاری دو تا پسر بچه‌ی
یا حال به اسم جورج و هارولد زندگی
می‌کردن.



خیلی!

ما خیلی
یا حالیم!

برای همین جورج و هارولد
به حلقه‌ی هیپنوتیزم
خریدن.



آقای کراپ اصلاً رفتار خوبی با
جورج و هارولد نداشت.



ساکت، آروم، خاموش!

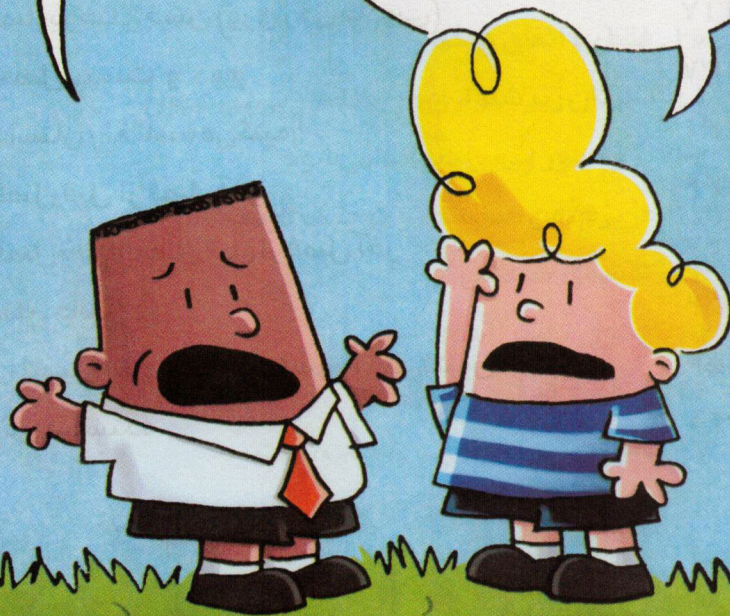
آن‌ها با استفاده از اون حلقه، آقای کراپ رو هیپنوتیزم
کردن.



بله اریاب!

ما اصلاً فکر
نمی‌کردیم که شاید
اتفاقات بدتری بیفته...
ولی افتاد!

توی سه تا ماجراجویی
آخری، ما سعی کردیم
که مدیر مدرسه رو از
دردسر نجات بدیم. اون
فکر می‌کرد که واقعاً به آبر
قهرمانه... در صورتی که
اصلاً این‌طور نیست!



حالا کاپیتان زیرشلواری آن قدرت داشت که حتی می تونست پرواز کنه!



آقای کراپ واقعاً دارای قدرت جادویی شده بود!



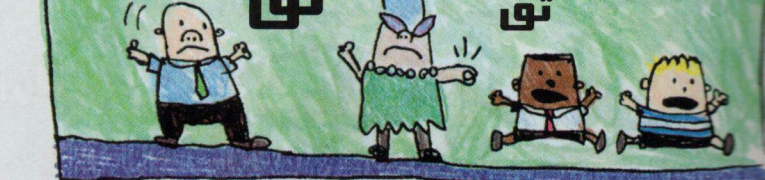
... این کار باعث می شد که او دوباره به آقای کراپ تبدیل بشه



تنها راهی که جورج و هارولد می تونستن جلوی کاپیتان زیرشلواری رو بگیرن، این بود که روی سرش آب بریزن...



اما حواستون باشه: هر وقت آقای کراپ صدای بشکن زدن بشنوه...



... او دوباره به «همونی که می دونین» تبدیل می شه!



پایان

اما آنها به اشتباه بزرگ مرتکب شدن.



تر آلا لا لالا



آقای کراپ واقعاً فکر می کرد که تبدیل به کاپیتان زیرشلواری شده اما او اصلاً قدرت های جادویی نداشت!



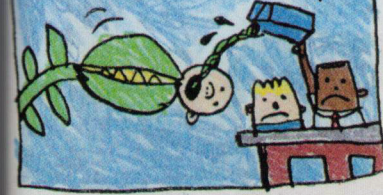
همگی وارد سفینه ی فضایی ها شدن و جورج به بطری «معجون قدرت جادویی» آدم فضایی ها رو برداشت.



آن ها ماجراهای زیادی داشتن و حتی به بار آدم فضایی ها بهشون حمله کردن!!!



این جا بود که جورج مقداری معجون قدرت جادویی رو به آقای کراپ داد.



بعدش به گل آدم خوار خیلی بدجنس آقای کراپ رو خورد!



حالا چی کار کنیم?